



# حفظ محیط زیست از دیدگاه فقه و لزوم آموزش محیط زیست

محمد رضا گل همیشه بهار<sup>۱</sup>  
عباداله احمدی<sup>۲\*</sup>  
مجید برزگر<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷

## چکیده

وضعیت رو به رشد تخریب محیط زیست طبیعی و انسانی به گونه‌ای است که حفظ محیط‌زیست را به یک ضرورت میدل ساخته است. اقدامات مختلف نیز نتوانسته است از روند فزاینده تخریب محیط‌زیست جلوگیری کند. در چنین شرایطی، مقوله آموزش به موضوع مهمی بدل شده است. سوال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که با توجه به اینکه میان فقه و محیط‌زیست تعاملی نقش آفرین وجود دارد، آموزش محیط‌زیست با بهره‌گیری از مبانی فقهی چه تاثیری در حفظ محیط‌زیست دارد؟ مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که فقدان آگاهی یکی از دلایل مهم معضلات زیست‌محیطی موجود است و آموزش محیط‌زیست در قالب ظرفیت‌های موجود در قرآن کریم و سنت معصومان (ع) تاثیر گذار است. بر همین اساس، ساز و کار آموزشی کاربردی در چارچوب مسئولیت همگانی، قواعد و اصول عام و خاص مورد کنکاش قرار گرفت. حفظ محیط‌زیست از طریق اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و رشد فرهنگ سایر اقشار جامعه بر اساس اصول مدون فقه بعنوان اصلی مهم است که می‌تواند موجب گسترش و کیفیت مسئولیت همگانی در محیط‌زیست شود و خطر تخریب محیط‌زیست را یادآوری کرده و روش‌های حفاظت از محیط‌زیست را ترویج کند. نتیجه چنین فرایندی کاهش تخریب و معضلات زیست‌محیطی است. اهمیت این موضوع هنگامی بارزتر می‌شود که به این نکته اشاره گردد که در ایران علیرغم وجود منابع آموزشی در این زمینه با کاستی‌های قابل توجهی روبرو هستیم که از این طریق می‌تواند مرتفع گردد.

**واژگان کلیدی:** محیط زیست، مبانی فقه، آموزش.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت آموزش، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. baharngo@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه مدیریت آموزش، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران: (نویسنده مسئول): ebadahmadi@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه روان شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. mbarzegar55@gmail.com

## ۱- مقدمه

جهان امروز در حال توسعه و تحول است. حفظ محیط زیست در سلامت و توسعه پایدار جامعه بشری خصوصاً کلان شهرها در قرن حاضر نقش و اهمیت بسزایی داشته لذا استفاده از هر گونه ابزار در جهت گسترش فرهنگ حفاظت از محیط زیست می‌تواند حال و نیز آینده بشری را تضمین کند. بدیهی است برای ایجاد چنین فضایی بیش از هر زمان نیاز به دانایی، قدرت و فرهنگ و توانایی است.

بنابراین، توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگ انسان با هم مرتبط بوده و در یک تعامل سازنده و در یک راستا حرکت کنند (Bell, & Trambell, 2011).

امروزه نگرانی‌ها در مورد محیط زیست به یک مساله اجتماعی تبدیل شده است و جامعه‌شناسی محیط‌زیست، مطالعات زیادی پیرامون نگرش، ارزش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی افراد در جامعه به خود اختصاص داده است. وضعیت محیط‌زیست جهان در نیم قرن گذشته نشان می‌دهد که تنها اثرات مخرب انسانی بر محیط‌زیست کاهش نیافته بلکه مسائل حاد و بغرنج جدید مانند آلودگی شدید جو، کاهش تنوع زیستی، پارگی لایه اوزون، پدیده گلخانه‌ای و گرم شدن کره زمین، افزایش سطح آب اقیانوس‌ها، تغییرات شدید اقلیمی و اثرات مختلف و متعدد بروز نموده است (توحیدی نیا، ۱۳۸۳: ۱۷۶-۱۵۷).

افراد هر جامعه بر حسب شرایط و مقتضیات خاص اجتماعی و فرهنگی خود، برخورد متفاوتی با محیط‌زیست شان دارند. این برخوردها و رفتارها ممکن است کاملاً منفی و علیه محیط زیست یا بالعکس کاملاً مثبت و به سود آن باشد. انسان با رفتارهایی که در قبال محیط دارد باعث تخریب محیط زیست شده و آن را با تهدیداتی نگران کننده مواجه می‌کند. اشتباهاتی که انسان در نتیجه فعالیت‌های خود بر روی زمین مرتکب شده است یکی از علت‌های اصلی خساراتی است که محیط زیست متحمل آن گردیده است. یکی از راهکارهای اجتناب از آسیب رساندن به محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن، تغییر رفتار انسان‌ها به سمت و سوی ابعاد طبیعت گرایانه است (Hess, Quimbata, & 1996). همچنین یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود مردم نسبت به حفظ محیط‌زیست بی‌توجه باشند بی‌اطلاعی آنهاست؛ آگاهی دادن به افراد باید هدفمند، هماهنگ و وحدت یافته باشد (جوکار، میرداماد، ۲۰۱۵).

بطور خلاصه باید اذعان کرد؛ مسائل محیط زیستی بزرگ‌ترین چالش ملت‌ها در قرن بیست و یکم هستند (Blowers, Sloep, & 1996). زیست کره به عنوان یک کل واحد؛ جزء لاینفک

حیات انسانی محسوب می‌شود. بگونه‌ای که سلامت و بقاء انسان منوط به بقاء و سلامت آن است؛ در یک جمله می‌توان گفت که حفاظت از محیط‌زیست برابر با حفاظت از بشریت است؛ لذا باید توجه ویژه‌ای در حفاظت از محیط‌زیست مبذول داشت. بنابراین ترویج دانش محیط‌زیستی و حساسیت‌زایی در افراد، یک فرآیند ساختاری گام به گام است که میان‌رشته‌ای بوده و موجب آن می‌گردد تا یادگیرنده آگاهی دربارهٔ محیط زیست و ارزش‌گذاری محیط زیست را از طریق فقه، دانش، مسئولیت‌پذیری در این خصوص کسب کند و قابلیت انجام عمل و مهارت‌های لازم برای حل مشکلات را بکار بندد.

درباره شناخت ظرفیت‌هایی که می‌توان در فقه اسلامی برای حفاظت از محیط زیست بدانها استناد کرد، مسئولیت همگانی، حاکمیت، قواعد و اصول عام و خاص می‌باشد که در اینجا ضمن پرداختن به آنها به مسئولیت همگانی و نقشی که آموزش می‌تواند بعنوان مهمترین اصل در گسترش و کیفیت مسئولیت همگانی در محیط زیست داشته باشد؛ مورد توجه قرار گرفته است.

مطالعات نشان می‌دهد، بحران‌های زیست‌محیطی در ایران به‌عنوان یکی از شدیدترین بحران‌های زیست‌محیطی در جهان شناخته شده است (حجازی و عربی، ۱۳۸۷: ۱۳۰). در این سال‌ها آهنگ معمولی انقراض بسیاری از منابع زیستی جهان سرعت یافته و در نتیجه‌ی تخریب مداوم جنگل‌ها و سایر زیستگاه‌های غنی زیستی و همچنین شخم بیش‌ازحد زمین، آلودگی و استفاده‌ی نامناسب از جانوران و گیاهان غیربومی، سریع‌تر هم می‌شود. بخشی از تخریب و آلودگی محیط‌زیست ناشی از ضعف‌های ساختاری و ناکارآمدی دستگاه‌های اجرایی متولی حفاظت از محیط‌زیست و بخشی دیگر، تحت‌الشعاع سیاست‌های توسعه‌ای و عدم توجه مسئولان و صاحب‌منصبان به موضوع محیط‌زیست می‌باشد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۱: ۷۶-۴۵). در راستای حفاظت از محیط‌زیست تاکنون منابع متعددی در داخل و در عرصه بین‌المللی تدوین شده است اما روند تخریب محیط زیست همچنان ادامه دارد. همین امر بحث حفظ محیط زیست از دیدگاه فقه و لزوم آموزش آن را به یک ضرورت مبدل می‌سازد.

در خصوص حفظ محیط زیست از دیدگاه فقهی تألیفات متعددی انجام شده است؛ اما نقش آموزش چندان مورد توجه قرار نگرفته است:

محمدرضا محمدزاده رهنی، در مقاله‌ای به بررسی مبانی فقهی حفاظت از محیط‌زیست پرداخته‌اند (محمدزاده رهنی، ۱۳۹۲: ۱۹۵-۱۷۷).

عزیزالله فهیمی و علی عرب زاده، در مقاله‌ای به مبانی فقهی حقوق محیط‌زیست پرداخته‌اند (فهیمی و عرب زاده، ۱۳۹۱: ۲۰۹-۱۸۹).

سید محمد حسینی، محمد رضانی و سید سجاد موسوی نیا، در مقاله‌ای به واکاوی مبانی فقهی ممنوعیت تخریب محیط زیست پرداخته‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۸-۶۶) عباس گوهری و مهدی بیژنی در مقاله‌ای به مسؤولیت مطلق در تخریب محیط‌زیست از دیدگاه فقهی پرداخته‌اند (گوهری و بیژنی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۱۳) اما از نقش آموزش در حفظ محیط زیست بحثی نشده است. در مقاله حاضر تلاش شده به این موضوع مهم پرداخته شود. سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است که آموزش محیط‌زیست با منابع فقهی در حفظ محیط زیست چه نقشی دارد؟ فرضیه مقاله نیز بدین صورت قابل طرح است که «آموزش از طریق حفاظت گسترش مدار و حفاظت جامعه‌محور در حفظ محیط زیست تأثیرگذار است». به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا مفهوم آموزش و حفظ محیط زیست ارائه شده، سپس نقش آموزش از منظر فقهی در حفاظت گسترش محور و جامعه‌محور از تخریب زیست‌محیطی بررسی گردیده و در در نهایت جایگاه آموزش حفظ محیط‌زیست بر اساس مبانی فقهی بحث شده است.

## ۲- مبانی نظری

برای تشریح «آموزش حفظ محیط‌زیست» لازم است به مفاهیم: محیط‌زیست، آموزش حفظ محیط زیست و مبانی فقهی و ارتباط آن‌ها با همدیگر تشریح شود.

### ۲-۱- مفهوم محیط زیست

محیط زیست عبارت است از آنچه که فرآیند زیستن را احاطه کرده، آن را در خود فرو گرفته و با آن در کنش متقابل قرار دارد. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که با توجه به این تعریف آیا می‌توان مرزهای مشخصی برای محیط زیست تعیین نمود، آیا فرایند حیات بدون استفاده از هوا و خاک میسر است آیا بدون بهره برداری منطقی از خاک، می‌توان مواد غذایی تولید نمود و امکان تغذیه سالم جمعیت رو به تزاید را فراهم ساخت؟

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که محیط زیست همه چیز را در بر می‌گیرد. هم انسان و هم طبیعت و هم رابطه این دو را شامل می‌شود. در کلیه فعالیت‌های بشر تاثیر داشته و نیز از آن متاثر می‌شود. محیط یک موجود زنده عبارت است از فضایی که موجود زنده را احاطه کرده و از طریق روابط متقابل گوناگون با آن در تماس قرار دارد. به بیان دیگر، محیط را می‌توان مجموعه عوامل جاندار و بی‌جان دانست که، در یک فضای مشخص و در زمانی معین موجود زنده را

تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. پس محیط‌زیست عبارت ترکیبی از دانش‌های متفاوت در علم است که از مجموعه عوامل زیستی و محیطی در غالب محیط‌زیست و غیر زیستی (فیزیکی، شیمیایی) متشکل که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌بینند. (Lee, 2020). امروزه این تعریف غالباً به انسان و فعالیت‌های او مرتبط می‌شود و می‌توان محیط‌زیست را مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین، همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و غیره، که انسان را احاطه می‌کنند خلاصه کرد. تفاوت محیط‌زیست با طبیعت در این است که تعریف طبیعت شامل مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیر زیستی می‌شود که منحصرأ در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که عبارت محیط‌زیست با توجه به برهم‌کنش‌های میان انسان و طبیعت توصیف شده‌است. (Janer, 2019).

حفاظت از محیط‌زیست از مباحث مهم و کاربردی روزگار است که به پردازش و تحقیق در حوزه‌های مختلف از جمله فقه اسلامی نیاز دارد.

## ۲-۲- مفهوم آموزش حفظ محیط زیست

حفاظت از محیط‌زیست، عبارتست از تلاشی که به منظور حفظ سلامتی محیط و انسان‌ها، در سطوح شخصی، سازمانی یا دولتی، از محیط طبیعی محافظت می‌کند که با توجه به رشد جمعیت و تکنولوژی، محیط بیوفیزیکی گاهی اوقات نادیده گرفته می‌شود. لازم است این موضوع به رسمیت شناخته شود و دولت‌ها باید محدودیت‌هایی علیه فعالیت‌های تخریب محیط زیست ایجاد کنند. از سال ۱۹۶۰، جنبش‌های فعال زیست محیطی ایجاد شده‌اند که از مسایل مختلفی در این زمینه اطلاع دارند. هیچ توافقی در مورد میزان اثر فعالیت‌های انسانی بر روی محیط زیست وجود ندارد و اقدامات حفاظتی گاهی مورد انتقاد قرار می‌گیرند (Mends, 2019).

حفاظت از محیط زیست احتیاج به توجه، به فعالیت‌های مختلف انسانی دارد. تولید زباله، آلودگی هوا و از بین رفتن تنوع زیستی (ناشی از گونه‌های مهاجم و گونه‌های در حال انقراض) بعضی از موارد مرتبط با حفاظت محیط زیست هستند.

آموزش، سواد زیست محیطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سواد زیست محیطی به عنوان یک متغیر واسطه و میانجی بر نگرش نوین زیست محیطی، شناخت زیست محیطی عام و خاص موثر است (صالحی و قائمی اصل، ۱۳۹۲: ۷۰).

عمدتاً آلودگی‌های مختلف زیست محیطی اعم از آلودگی هوا، آلودگی منابع آب سطحی و زیرزمینی، آلودگی‌های ناشی از سوء مدیریت پسماندهای عادی و ویژه خطرناک (از جمله

زباله‌های بیمارستانی)، آلودگی صوتی و موارد بی‌شماری که به ازای هر فعالیت انسانی ممکن است ایجاد شود، عمدتاً ناشی از عدم دانش و آگاهی افراد است، که در این بین محیط‌های آموزشی می‌توانند نقش قابل توجهی را در زمینه ارتقای دانش و آگاهی‌های زیست محیطی ایفا کنند (ولی‌اللهی و مقصودی مهربانی، ۱۳۸۹).

### ۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی با روش کتابخانه‌ای است که با بررسی متون فقهی و روایی با روش توصیفی- تحلیلی انجام یافته است. در این پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات معتبر، متون فقهی جهت استخراج رویکرد اسلام نسبت به لزوم آموزش حفظ محیط‌زیست مورد تحقیق قرار گرفت.

### ۴- یافته‌های پژوهش

بدون تردید بشر برای بقا خود نیازمند حفاظت از محیط زیست است. در یک نگاه کلی می‌توان بیان داشت محیط زیست شامل عوامل فیزیکی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و زیباشناختی است که کلیه اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و مطلوبیت و ارزش اموال بر کیفیت زندگی بشر اثر گذار است.

اکثر بحران‌های زیست محیطی که هر از چند گاهی در اقصی و اکناف جهان رخ می‌دهد، دلیل کارکردهای انسان خصوصاً در یک سده اخیر است که برای رسیدن به توسعه و رفاه، در طی مسیر صنعتی شدن به آنها دست یافته و قریب به اتفاق موجب تخریب و آلودگی محیط‌زیست شده و یا می‌شود. حدود نیم قرن است که تصمیم‌گیرندگان ساکن کره زمین در صدد علاج نابسامانی‌هایی که منجر به تخریب محیط زیست شده و سلامت بشر را به خطر انداخته است می‌باشند که در این راستا اقدام به نشست‌های بین‌المللی متعددی در این خصوص نموده‌اند.

امروزه بسیاری از کشورها در مسیر توسعه پایدار گام برداشته و یا مترصد وارد شدن به این مسیر هستند. باید متذکر شد که لازمه دستیابی به توسعه پایدار اینست که ضمن برآوردن نیازهای نسل کنونی به نسل آتی نیز اندیشید و به گونه‌ای عمل کرد که تامین نیاز نسل امروز موجب خسران و زیان رساندن به توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازها نگردد.

از این رو برای ادامه توسعه فراگیر و پایدار ضروری است در سیاست‌های کلان و خرد اقتصادی و فرهنگی تعدیل‌هایی صورت پذیرد و در حوزه قانونگذاری، اصول قانونی استوار با ضمانت اجرایی تمام، وضع و آموزش‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست فراگیر و عرفی شود، چنان که در بین عامه مردم رواج پیدا کرده باشد و آموزش که مقدمه فرهنگ سازی است، زمینه پیروی مستمر از قوانین محیط زیست را برای عموم مردم فراهم کند.

البته عامل اساسی و محکمی که درباره فرهنگ سازی بسیار تأثیرگذار است، آموزش فراگیر، مستمر با استفاده از تمام ظرفیت‌ها در این خصوص است که از جمله آن می‌توان به رهنمودهای دینی، علمی و عقلی اشاره کرد. جایگاه ویژه دین و مذهب در بین اقشار مختلف در کشور، فرصتی است که از آن می‌توان برای ترویج و احیای آموزش محیط زیستی بهره‌گرفت. به زعم محرم‌نژاد و حیدری این امر نه تنها به ارتباطات بین انسان و طبیعت معنا می‌بخشد، بلکه باعث می‌شود این ارتباطات، آرمان‌ساز، شورانگیز و تعهدآور گردد (جوادی، ۱۳۹۸).

آموزش و آگاه سازی عمومی در ارتباط با محیط زیست به سه دلیل اهمیت فراوان می‌یابد:

- ۱- آموزش و ارتباطات، پایه‌های تحقق اهداف زیست محیطی در زمینه‌های مختلف هستند.
  - ۲- آموزش و ارتباطات، حلقه اتصال مردم با محیط زیست است.
  - ۳- حس مسئولیت اجتماعی و مشارکت مردمی در حفاظت از محیط زیست را ایجاد کند.
- (جباری، ۱۳۹۸)

از بین گروه‌های مختلف اجتماعی نیز، دانش‌آموزان و دانشجویان در حفظ محیط زیست نقش اساسی ایفا می‌کنند. در واقع، این قشر به چند دلیل از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند: اولاً، رفتار فعلی آنان بر روی محیط زیست که در حال حاضر در آن زندگی می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. ثانیاً، به عنوان نسل آتی که نقش قشر تحصیلکرده در جامعه را ایفا خواهند نمود، مشاغل حساسی را اشغال خواهند نمود، که از نظر حفاظت محیط زیست حائز اهمیت می‌باشند (صالحی و قائمی اصل، ۱۳۹۲: ۶۹).

باید توجه داشت که عدم مراقبت از میراث طبیعی؛ پشت کردن به نعمات الهی است که مذموم و مردود است؛ می‌توان طبیعت و محیط‌زیست طبیعی را میراث و امانت الهی برای انسان دانست تا با رعایت قواعدی، از آن بهره برده و بر حفظ و توسعه آن اهتمام ورزید. در قرآن کریم چند دسته از آیات را می‌توان جست که بهره‌مندی از محیط‌زیست را یا حقی همگانی می‌دانند، یا مصادیقی از محیط زیست را نام برده و آنها را برای بهره‌مندی انسان می‌دانند، یا آیاتی که

محیط‌زیست و مصادیق آن را تحت تسخیر و سیطره انسان می‌دانند. با توجه به تناسب و تلازم حق و تکلیف، هر جا که حقی ثابت باشد، مسئولیتی نیز تعریف و تثبیت می‌شود که محیط زیست نیز از این امر مستثنی نیست. از حداقل بایدها و نبایدهای ارشادی و اخلاقی یا احکام تکلیفی استحباب و کراهت، تضمین حق جمعی و منفعت همگانی استظهار می‌شود. باتأمل در آیات میتوان قواعد الزامی و حقوقی و احکام تکلیفی حرمت تخریب طبیعت و استفاده ناروا از آن و وجوب حفظ محیط زیست را به دست آورد؛

بر اساس قراین روشن می‌توان به مالکیت خداوند بر محیط زیست و تاثیرات آن بر زندگی انسان دست یافت؛ لذا لزوم حفظ و بهبود محیط‌زیست را می‌توان با آموزش و تاکید بر چهار دقت فقهی دریافت نمود از جمله اینکه از دیدگاه اسلام آلودگی و تخریب محیط زیست حرام است چرا که سبب فساد می‌شود و فساد مفهومی است که افزون بر دربرگرفتن گناهان، همه مضرات از جمله کارهای مضر نسبت به محیط‌زیست را در بر می‌گیرد چنانکه خداوند می‌فرماید: تباهی و خرابی در دریا و خشکی نتیجه کارهایی است که مردم انجام داده‌اند خداوند نتیجه ناخوشایند برخی از کارهایی که انجام داده‌اند را به ایشان می‌چشاند (روم: ۴۱). فقه مبنای قوانین اجتماعی و فردی است و از این رو بازشناسی ظرفیت‌های موجود در منابع فقهی اعم از کتاب، سنت، عقل و اجماع دارای اهمیت است. برای شناخت این امر سه عرصه مختلف وجود دارد:

یکم. مسئولیت همگانی.

دوم. مسئولیت حاکم اسلامی؛

سوم. احکام و قواعد خاص و عام فقهی.

هرکدام از این سه در نوع خود مهم‌ترین ابزار حفاظت و جلوگیری از تخریب‌های محیط‌زیست هستند. درباره شناخت ظرفیت‌هایی که می‌توان در فقه اسلامی برای حفاظت از محیط زیست بدانها استناد کرد، در اینجا ما به دو حوزه یعنی مسئولیت‌همگانی و قواعد و اصول عام و خاص پرداخته‌ایم و آن‌گاه به تبیین رویکرد در فقه اسلامی پرداخته و به موضوع آموزش بعنوان مهمترین اصلی که می‌تواند موجب گسترش و کیفیت مسئولیت همگانی در محیط زیست شود می‌پردازیم.

#### ۴-۱- مسئولیت همگانی در حفظ محیط زیست

نظام اسلامی دیده بانی و مراقبت از یکدیگر را در جامعه با عنوان امر به معروف و نهی از منکر



یاد می‌کند و بی‌تردید محافظت و مراقبت از محیط زیست از شئون زندگی اجتماعی است و از این جهت مشمول این ادله می‌شود. وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران: ۱۰۴)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند.

خَذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف: ۱۹۹)

با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان

معنای (عرف) از دیدگاه علامه طباطبایی بدین ترتیب است که: واژه (عرف) را به معنای سنت‌ها و سیره‌های زیبایی می‌داند که عقلای جامعه آن را می‌شناسند. وی در مقابل (عرف و معروف) اشاره به رفتارهای نادر و غیر مرسومی دارد که عقل اجتماعی آنها را برنناخته که اصطلاحاً به آن (منکر) گفته می‌شود. به طور کلی بر آنچه در نزد عقل و شرع نیکو و پسندیده شناخته شده، در اصطلاح قرآن (عرف) نامیده می‌شوند که انسان باید پیوسته در جامعه این روش پسندیده را در پیش گیرد و دیگران را به آن دعوت و سفارش کند.

دستور قرآنی (وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ) و سایر آیات و احادیث در این زمینه تأکیدی است بر اینکه تنها انجام عمل نیک و صالح کافی نبوده، بلکه باید دیگران را به این روش دعوت کرد تا در جامعه عمل صالح گسترش پیدا کند، همگانی شود و در همه جا گسترش یابد و این مهم می‌تواند در قالب آموزش به آن پرداخت. گفتنی است که مراد، فساد تکوینی و آن چیز نیست که در گردش زمان فاسد می‌شود؛ چون انسان در پاره‌ای از فسادها دست ندارند، بلکه مراد فسادهای تشریحی است، یعنی فسادی که به دست بشر پدید می‌آید. از جمله ملموس‌ترین فسادها در نعمت‌های خدادادی زمانی رخ می‌دهد که بشر برای برآوردن خواسته‌های خود در طبیعت تصرف می‌کند؛ تصرفی ویرانگر و بدون در نظر گرفتن قوانین حاکم بر طبیعت. البته مبارزه با فساد ابزارهای مناسب خود را می‌طلبد. پس مسئله امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیتی اجتماعی است و اسلام بر آن تأکید دارد، در رابطه با مسائل زیست محیطی نیز برای جلوگیری از فساد و انحراف و در پیشبرد ارزش‌های متعالی و سلامت اجتماعی لازم است تا امری جدی تلقی شود و از اهم واجبات و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر دانسته شود.

از آنجا که محیط‌زیست برآیند برخورد سه بُعد محیط طبیعی، محیط انسان‌ساخت و محیط اقتصادی - اجتماعی است. با توجه به اینکه هریک از این بُعدها، بدون توجه به بُعد دیگر، موجب ناپایداری محیط زیست می‌گردد. این در حالی است که در چند دهه اخیر با گسترش فعالیت‌های

صنعتی، شاهد بروز اُفت کیفیت محیط‌زیست هستیم؛ به‌گونه‌ای که انسان‌ها را با چالش‌های زیست‌محیطی مواجه نموده است. که فقر عمده‌ترین اثر آن است و آن عمدتاً چالش‌های دسترسی نداشتن برابر به منابع و خدمات عمومی است، از این‌رو برای حفاظت از محیط‌زیست باید میان عوامل تشکیل‌دهنده محیط‌زیست تعادل برقرار باشد. هنگامی که عوامل تشکیل‌دهنده از نظر کمی، کیفی و ارتباطی در شرایط مطلوبی قرار داشته باشند، محیط‌زیست در وضعیت تعادل قرار می‌گیرد و هنگامی که هر یک از عوامل موصوف تغییر کند، تناسب و تعادل محیط‌زیست به هم خورده و این نبود تعادل و تهدید، باعث تخریب محیط‌زیست می‌شود. رعایت تعادل محیط‌زیست و اصلاح در زمین و آبادانی آن از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی است. نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران می‌شود. آیات قرآن را در خصوص تعادل محیط‌زیست می‌توان از سه وجه بررسی کرد: آیاتی که هماهنگی و موزون بودن پدیده‌های زمین را بیان می‌کنند، آیاتی که علاوه بر بیان هماهنگی و توازن، به حد و اندازه، مقدار معین در خلقت پدیده‌های زمین اشاره دارد، آیاتی که علاوه بر موارد فوق، هدفدار بودن و پایداری در مورد خلقت پدیده‌های زمین را بیان می‌کنند زیبایی جهان آفرینش در نظامند بودن آن است زیرا هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و باهدف معین و راه و راهنمای مشخص آفریده شده است به طوری که هم نظام فاعلی آن منسجم و عالمانه است و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه می‌باشد و هماهنگی خردمندان در نظام داخلی آن طراحی شده است.

رعایت تعادل محیط‌زیست و اصلاح در زمین و آبادانی آن از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی است. نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران است. قرآن می‌فرماید: هر عمل نیک یا بد به نفع یا ضرر انجام دهنده آن است (رعد: ۲۵، فصلت: ۴۶).

#### جدول ۱: حفاظت محیط‌زیست و مستندات قرآنی آن‌ها

نوع حفاظت از محیط‌زیست	بُعد حفاظت از محیط‌زیست	مستندات قرآنی و روایی
مسئولیت همگانی در حفظ محیط‌زیست	امر به معروف و نهی از منکر	اعراف: ۱۹۹، آل عمران: ۱۰۴
	رعایت تعادل محیط‌زیست	حجر: ۱۹، اعلیٰ: ۳ و ۲، المومنون: ۱۸، رعد: ۲۵، فصلت: ۴۶
	مراقبت از میراث طبیعی	روم: ۴۱
	پرهیز از تخریب محیط‌زیست	جاثیه: ۱۳

#### ۴-۲- قواعد فقهی "لاضرر" و "قاعده اتلاف"

کتاب، سنت، عقل و اجماع چهار منبع اصلی فقه هستند و از ظرفیت‌های بسیار بالایی برای وضع مقررات حفاظت از محیط زیست برخوردارند. به طور کلی در دو بخش عام و خاص می‌توان در این جهت از فقه استعانت جست. در مقررات عام آیات و روایات بسیاری به طور عام، ایجاباً و سلباً احکام محیط زیست را به گونه وجوب، حرمت، استحباب و کراهت، به صورت تکلیفی وضعی، بیان می‌دارند. با آموزش و تاکید بر عوامل فقهی و نیز با بررسی دو قاعده فقهی "لاضرر" و "قاعده اتلاف" می‌توان در آموزش، انگیزش فقهی در مخاطبان پدید آورد تا با نگاهی کلان‌تر و مسئولانه‌تر به محیط زیست روی بیاورند.

قاعده "لاضرر" از مشهورترین و کاربردی‌ترین قواعد فقه است که ابواب و مسائل فقهی به آن استناد می‌کنند دامنه این قاعده بسیار گسترده است و در بسیاری از ابواب فقه کاربرد دارد. البته تبیین‌های مختلفی از مفاد قاعده لاضرر شده است از جمله نفی حکم ضرری؛ نفی ضرر از راه نفی موضوع؛ نفی ضررهای غیر متدارک و نهی از ایراد ضرر (شهبایی، ۳۰: ۱۳۵۰).

#### ۴-۲-۱- قاعده لاضرر

گرچه درباره قاعده (لاضرر) سخن بسیار رفته و احتمال‌های گوناگونی مطرح شده، هریک از آنها معنای اصلی قاعده را که بر عدم مشروعیت ضرر و اضرار در اسلام دلالت می‌کند، وسعت می‌بخشد. در اینجا این قاعده که در مسئله حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن کاربرد دارد، مبنای فقهی استواری برای قانون‌گذاری و اجرای قانون به شمار می‌رود. بنابراین هرگونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود از نظر اسلام ممنوع و مردود است. بسیاری از مسائل زیست‌محیطی را می‌توان در قالب قاعده "لاضرر" بررسی کرد، مانند:

بیرون ریختن زباله‌ها به خصوص زباله‌هایی که تجزیه نمی‌پذیرند؛ بهره‌برداری غیر مجاز از جنگل‌ها و حریم دریاها که در جریان سیل و دیگر مشکلات زیست‌محیطی تأثیری بسزا دارد، استفاده از خودروهای دودزا و کارخانه‌های غیر استاندارد؛ ایجاد آلودگی صوتی به وسیله مجالس؛ سروصدای غیر طبیعی، حتی صدای بلندگوی هیئت‌های مذهبی.

تبیین‌های اشاره شده هر کدام به نوعی به حفظ محیط زیست به‌عنوان منفعت یا مصلحتی عمومی لزوم دفع یا رفع ضرر از آن مربوط می‌شود. قاعده مورد بحث البته بیشتر بر وجه سلبی موضوع یعنی حریم رفتار زیان بار با محیط زیست دلالت دارد ولی از راه همین دلالت می‌توان

نتیجه گرفت که وجه ایجابی آن یعنی محافظت از محیط زیست هم مورد التفات و اعتبار شارع بوده است. اگر ایراد ضرر به موضوعی شرعاً ممنوع باشد معلوم می شود که آن موضوع در دیدگاه شرعی خود یک ارزش قابل حمایت است. چرا که در سیره عقلا و تفاهم متشرعه هر جا منعی و عقابی هست حتماً پای ارزشی قابل حمایت در میان است روایت قاعده لاضرر در حد تواتر است. بر اساس این قاعده کسی حق ندارد به دیگری ضرر برساند و حق ندارد به دیگران اجازه دهد به او ضرر برسانند و این نگاه در سراسر ابواب فقهی جاریست انواع ضرر و اضرار را در بر می گیرد؛ پس ضرر رساندن به طبیعت را نیز شامل می شود.

از این رو قاعده لاضرر به مثابه مبنای فقهی استوار برای چارچوب بندی فقهی مسئله حفظ طبیعت و جلوگیری از آسیب رساندن به آن است؛ ایراد تخریب محیط زیست ارتباط مستقیم با زندگی انسان دارد و موجب ضرر و آسیب به او می شود.

#### ۴-۲-۲- قاعده اتلاف

یکی دیگر از قواعد مشهور فقهی است که فقهای شیعه آن را موجب ضمان می دانند قاعده اتلاف است. مفاد این قاعده در (من اتلف مال الغير و فهو له و ضامن) مندرج است یعنی هر کس مال دیگری را بدون اذن او تلف کند یا مورد بهره برداری قرار دهد ضامن است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ج ۱۱: ۱).

در توضیح مفهوم مال، غالباً گفته می شود که (مال) چیزی است که نزد مردم مطلوب است به طور مستقیم یا غیرمستقیم نیازهای آنان را برطرف می کند بی شک نگاه فقه به محیط زیست هم ناظر است و می تواند آن را به صورت مالی انسان و خداوند که به صورت طولی مالک آن هستند در نظر گرفت.

بایدها و نبایدهای دین، دستورهای دینی و فقهی اسلام است که مهم ترین عامل ضمانت اجرایی مسلمانان است. از این رو به نظر می رسد می توان میان فقه و محیط زیست تعاملی نقش آفرین ایجاد کرد و برای پیش برد فرهنگ سازی حفاظت محیط زیست از ظرفیت های نهفته در قرآن کریم و سنت معصومان (ع) بهره برد.

سیستم فقهی و اخلاقی شیعه واجد نظام حقوقی و اخلاق کاربردی استفاده از طبیعت است و مومنان با اندکی تأمل و ژرف نگری می توانند با آموزش و به کارگیری چند قاعده ساده و روشن، رویه مسئولانه تری در قبال حفظ و گسترش محیط زیست در پیش بگیرند تا آنکه انسان عامل به فقه همانگونه که نمی تواند حق کسی را ضایع کند، هنگام مواجهه و بهره وری از طبیعت نیز

موظف است آن را مانند یک کل منسجم، هدفدار و دارای شخصیت و حقوق بداند و در ازای بهره‌وری، حق نگهداری و توسعه آن را نیز به جای آورد؛ در غیر این صورت ضامن است و مرتکب عمل حرام شده است این ساز و کار آموزشی کاربردی را می‌توان در چهارچوب دو قاعده "لاضرر" و "اتلاف" صورت‌بندی شده و ارائه نمود.

انسان همواره باید رویکردی را نسبت به طبیعت پیش بگیرد و نسبت به حفظ این رویکرد برای آیندگان نیز حساس باشد یعنی رویکرد بهره‌برداری و رویکرد تعامل، رویکرد تحمل، متضمن استفاده از طبیعت به شرط تعامل مسئولانه نسبت به آن است. این مفهوم با توجه به آموزش و انگیزش و در نهایت به کارگیری دقت‌های فقهی به دست می‌آید.

برای شکل دادن به چهارچوب این مدعا می‌توان به مدد قواعد فقهی و اسلامی در مورد "قاعده لاضرر" و "قاعده اتلاف" تخریب محیط‌زیست را به صراحت نتیجه‌گیری نمود و با تعریفی که از فساد ارائه شده هر نوع تخریب و آلودگی در محیط‌زیست را در زمره امور فاسد قرار داد.

#### ۴-۳- مقررات عام

آیات و روایات بسیاری به طور عام، ایجاباً و سلباً احکام محیط‌زیست را به صورت تکلیفی وضعی بیان می‌دارند؛

قرآن کریم بارها از فساد کردن در زمین نهی کرده است، از جمله:

لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (اعراف: ۸۵ .)

و در روی زمین بعد از آنکه اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با

ایمان هستید!

وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ (بقره:

۲۰۵).

از این آیات استفاده می‌شود که مراد از فساد و افساد، فساد تکوینی نیست؛ چون در پاره‌ای از فسادها دست کسی دخالت ندارد. عالم کون و فساد و نشئه تنازع در بقا منظور نیست، بلکه مراد

از این فساد، فسادهای تشریحی است؛ فسادی که به دست بشر پدید می‌آید (المیزان، ج ۲: ۹۶)

همان گونه که (وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ) نیز در مقام بیان یکی از مصادیق افساد در زمین

است که عبارت از نابود کردن نوع نبات و نسل موجودات عالم است و چون مطلق آمده، می‌توان

گفت شامل همه نسل‌های موجودات، حیوانات و گیاهان و جنگل‌ها و مزارع است و در نوع

انسانی اطلاق ندارد. بنابراین می‌توان گفت از بین بردن هر نوع حرث و نسل اعم از حیوانی و

گیاهی و نباتی جزء مصادیق این آیه است و افساد محسوب می‌شود و می‌توان حکم حرمت فقهی برای آن صادر کرد. چنان طوری که با استناد به کلام (إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ) چنین فسادی مبعوض خداوند است، بیان چنین حکمی آسان می‌نماید و می‌توان نتیجه گرفت که افساد در زمین مطلقاً حرام است.

در برخی از آیات لزوم حفظ توازن در طبیعت یادآوری شده است:

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق: ۶۵)

خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!

وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعْيَشَ وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (حجر: ۱۹-۲۱)

و زمین را گسترده‌ایم و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم، همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید! و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم! براساس این آیات، اراده خداوند بر حفظ توازن و هماهنگی در نظام خلقت بوده و به همین دلیل خداوند نیز از انسان خواسته است تا توازن را پاس بدارد و آن را با عملکردش به هم نزند. از آنجا که اراده تکوینی با اراده تشریحی خداوند هماهنگ است، می‌توان استنباط کرد هر رفتاری که موجب بر هم زدن طبیعت باشد عدم هماهنگی بین اراده تکوینی و تشریحی را به همراه دارد. لذا به موجب این ناهماهنگی می‌توان حکم فقهی مصادیق آن را در قالب حرمت و کراهت بیان داشت.

#### ۴-۴- مقررات خاص

ظرفیت‌هایی بسیار در آیات و روایات اسلامی درباره مقررات خاص وجود دارد، به گونه‌ای که می‌توان از آنها در زمینه‌های مختلف محیط‌زیست از جمله آب، هوا، خاک و رشد و نمو حیوانات و نباتات و پایداری نسل‌ها... موارد بسیار کمک گرفت. در ادامه به آلودگی محیط‌زیست بصورت اختصار اشاره می‌نماییم:

اسلام انسان‌ها را در برابر زیستگاه خود مسئول شناخته است. بر این اساس در فرازی از سخنان امام علی (ع) آمده است: اتقوا لله فی عبادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبُقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ (نهج البلاغه، الخطبة ۱۶۷)

بترسید از خدا در مورد بندگان او و سرزمین هایشان، شما در مورد زمین‌ها و چهارپایان نیز مسئول هستید.

پیامبر اسلام (ص) نیز از آلوده کردن حتی سرزمین مشرکان نیز نهی می‌فرمود:  
 نهی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَلْقَى السُّمَّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ؛ (الوافی، ج: ۱۵: ۹۷)  
 رسول خدا (ص) از آلوده کردن سرزمین مشرکین به سموم نهی فرموده‌اند.  
 بنابراین اشاره به تخریب ولطمه به محیط زیست مردم و بلاد آنان از قبیل زمین‌ها و بناها و چهارپایان شان نهی شده است و این وجه نهی‌ها، نشان در حرمت دارد.  
 اسلام آلوده کردن محیط را بسیار نهی کرده است. بطوری که نجس کننده‌ها از عوامل آلوده کننده، به شمار می‌روند، برای همین مؤمنان باید از آن پرهیز کنند. همچنین مفهوم روایات بر نهی از نجس کردن محیط زندگی است؛ مکان‌هایی همچون اطراف مساجد، کنار رودخانه‌ها، باغ‌های میوه و زیر درختان میوه، جلو و اطراف خانه‌های مردم، گذرگاه‌ها و ادار کردن داخل آب‌های جاری و راکد. (وسائل الشیعه، ج: ۳۲۴: ۱).

#### جدول ۲: ابعاد حفظ محیط زیست از دیدگاه پیامبر و ائمه مستندات و روایی

مستندات و روایی	ابعاد حفظ محیط زیست از دیدگاه پیامبر و ائمه
نهج البلاغه، الخطبة ۱۶۷	مسئولیت انسان در برابر زیستگاه
الوافی، ج: ۱۵: ۹۷	آلوده نکردن سرزمین
وسائل الشیعه، ج: ۳۲۴: ۱	پرهیز از نجس کننده‌های محیط زندگی

#### ۵- نتیجه‌گیری

فقه مبنای قوانین اجتماعی و فردی است و از این رو بازشناسی ظرفیت‌های موجود در منابع فقهی دارای اهمیت است لذا می‌توان از این منابع در جهت ارائه بهتر مطالب، فعالیت‌ها و ایجاد ساختار برای ارتقاء آگاهی‌های زیست‌محیطی استفاده نمود همچنین می‌توان با این شیوه آموزش محیط‌زیست بنیادی‌ترین روش در حفاظت از محیط‌زیست بکار بست باید اذعان کرد زمانی می‌توانیم یک آموزش را موثر بدانیم که بتوانیم شاهد برون دادی در قالب یک مسئولیت همگانی باشیم؛ از دیدگاه فقهی، مسئولیت همگانی در حفظ محیط زیست دارای ابعادی همچون: امر به معروف و نهی از منکر، رعایت تعادل محیط زیست، مراقبت از میراث طبیعی و پرهیز از تخریب محیط زیست می‌باشد. بر اساس مستندات قرآنی عنوان امر به معروف و نهی از منکر شامل دیده بانی و مراقبت از یکدیگر در جامعه

می‌باشد و بی‌تردید محافظت و مراقبت از محیط‌زیست از شئون زندگی اجتماعی است. دستور قرآنی (وَ أَمْرٌ بِالْعُرْفِ) و سایر آیات و احادیث در این زمینه تأکیدی است بر اینکه، تنها انجام عمل نیک و صالح کافی نبوده، بلکه باید دیگران را به این روش دعوت کرد تا در جامعه عمل صالح گسترش پیدا کرده، همگانی شود و در همه جا انتشار یابد.

از آنجا که محیط‌زیست برآیند برخورد سه بُعد محیط طبیعی، محیط انسان‌ساخت و محیط اقتصادی - اجتماعی است. لذا هریک از این بُعدها، بدون توجه به بُعد دیگر، موجب ناپایداری محیط زیست می‌گردد. با توجه به اینکه در چند دهه اخیر با گسترش فعالیت‌های صنعتی، شاهد بروز افت کیفیت محیط‌زیست می‌باشیم؛ انسانها با چالش‌های زیست محیطی مواجه شده اند که فقر را می‌توان به عنوان عمده‌ترین اثر آن بر شمرد و آن عمدتاً بدلیل عدم دسترسی برابر به منابع و خدمات عمومی است، از این‌رو برای حفاظت از محیط‌زیست باید میان عوامل تشکیل‌دهنده محیط‌زیست تعادل برقرار باشد. هنگامی که عوامل تشکیل‌دهنده از نظر کمی، کیفی و ارتباطی در شرایط نامطلوبی باشند، محیط‌زیست در وضعیت نامتعادل قرار می‌گیرد که این نبود تعادل موجب تهدید محیط زیست شده و موجب تخریب آن می‌شود.

رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین و آبادانی آن از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی است. نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران می‌شود. آیات قرآن را در خصوص تعادل محیط‌زیست می‌توان از سه وجه بررسی کرد: آیاتی که هماهنگی و موزون بودن پدیده‌های زمین را بیان می‌کنند، آیاتی که علاوه بر بیان هماهنگی و توازن، به حد و اندازه، مقدار معین در خلقت پدیده‌های زمین اشاره دارد و آیاتی که علاوه بر موارد فوق، هدفدار بودن و پایداری در مورد خلقت پدیده‌های زمین را بیان می‌کند. باید به این نکته توجه داشت که زیبایی جهان آفرینش در نظامند بودن آن است زیرا هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و باهدف معین و راه و راهنمای مشخص آفریده شده است به طوری که هم نظام فاعلی آن منسجم و عالمانه است و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه می‌باشد و هماهنگی در نظام داخلی آن بگونه‌ای حکیمانه و خردمندانه طراحی شده است.

رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین و آبادانی آن از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی است. نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران است. باید توجه داشت که عدم مراقبت از میراث طبیعی؛ پشت کردن به نعمات الهی است که مذموم و مردود است؛ می‌توان طبیعت و محیط زیست طبیعی را میراث و امانت الهی برای انسان دانست تا با رعایت قواعدی، از آن بهره برده و بر حفظ و توسعه آن اهتمام ورزید. در قرآن کریم چند دسته از آیات را می‌توان



جست که بهره‌مندی از محیط زیست را یا حقی همگانی می‌دانند، یا مصادیقی از محیط‌زیست را نام برده و آنها را برای بهره‌مندی انسان می‌دانند، یا آیتی که محیط زیست و مصادیق آن را تحت تسخیر و سیطره انسان میدانند. با توجه به تناسب و تلازم حق و تکلیف، هر جا که حقی ثابت باشد، مسئولیتی نیز تعریف و تثبیت میشود که محیط زیست نیز از این امر مستثنی نیست. از حداقل بایدها و نبایدهای ارشادی و اخلاقی یا احکام تکلیفی استحباب و کراهت، تضمین حق جمعی و منفعت همگانی استظهار می‌شود. با تأمل در آیات میتوان قواعد الزامی و حقوقی و احکام تکلیفی حرمت تخریب طبیعت و استفاده ناروا از آن و وجوب حفظ محیط زیست را به دست آورد؛ بر اساس قراین روشن می‌توان به مالکیت خداوند بر محیط زیست و تاثیرات آن بر زندگی انسان دست یافت؛ لذا لزوم حفظ و بهبود محیط‌زیست را از طریق آموزش و با تاکید بر چهار دقت فقهی دریافت می‌شود. همچنان که از دیدگاه اسلام آلودگی و تخریب محیط زیست حرام است چرا که سبب فساد می‌شود و فساد مفهومی است که افزون بر دربرگرفتن گناهان، همه مَصْرَآت از جمله کارهای مُضِر نسبت به محیط‌زیست را در بر می‌گیرد. به مضمونی دیگر آن زمان می‌توانیم بگوییم آموزش محیط زیست موفقیت‌آمیز بوده است که هر فرد جامعه، خود را از طریق احترام گذاشتن به طبیعت، مسئول در حفظ و حمایت از محیط‌زیست بداند. به عبارت دیگر آموزش محیط‌زیست یک فرآیند فعال است که طی آن آگاهی، دانش و مهارت‌ها ارتقاء یافته و منجر به درک، تعهد، تصمیمات آگاهانه و فعالیت‌های سازنده برای مدیریت کلیه اجزای به هم‌آمیخته محیط می‌زیست می‌شود. آموزش محیط‌زیست در ابعاد مختلف قابل اجرا و ارائه می‌باشد. آموزش محیط‌زیست می‌تواند در سطوح مختلف جامعه شامل آموزش عمومی محیط‌زیست در کلیه سطوح و یا مدیران و تصمیم‌گیران باشد. و یا مفاهیم آموزشی محیط‌زیست متناسب با سطوح مختلف گروه‌های مخاطب بنا بر ضرورت علمی و کارشناسی و هدفمند برای دستیابی به یک هدف کمی و قابل ارزیابی تدوین و تهیه گردد. نگرش، آگاهی و رفتارهای مسئولانه می‌تواند در پایداری و حفاظت محیط‌زیست بسیار تاثیرگذار باشد. آگاهی محیط‌زیستی یعنی میزان اطلاعات فرد در مورد مسایل محیط‌زیستی و عوامل مؤثر در گسترش آن و شناخت از چگونگی رفتار جهت بهبود معضلات آن است. رفتارهای محیط‌زیستی به لحاظ مفهومی، مجموعه احساسات خوشایند و ناخوشایند در مورد ویژگی‌های محیط فیزیکی یا مسایل مربوط به آن است. لذا می‌توان گفت: رفتارهای مسئولانه محیط زیستی مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه به محیط زیست است که در یک طیف وسیعی از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتارهای محیط‌زیستی را شامل می‌شود. با توجه به منابع فقهی ظرفیت‌های بسیاری برای آموزش محیط‌زیست وجود دارد

که می‌توان با بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها به پی‌ریزی رشد اجتماعی اقدام نمود در چنین رویکردی افراد جامعه با عنایت به احکام شریعت اسلامی، خود را مکلف به حفاظت از محیط‌زیست و اجتناب از تخریب آن می‌دانند.

## منابع و ماخذ

### الف- فارسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- توحیدی نیا، ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، «اخلاق، اقتصاد و محیط‌زیست»، مجله جستارهای اقتصادی، ۱(۲): ۱۵۷-۱۷۶.
- ۳- حجازی، یوسف؛ عربی، فاتزه، (۱۳۸۷)، «عوامل مؤثر در جلب مشارکت سازمان‌های غیردولتی در حفاظت از محیط‌زیست»، نشریه محیط‌شناسی، ۳۴(۴۷): ۱۳۰.
- ۴- حسینی سید محمد، محمد رضانی وسید سجاد موسوی نیا، «واکاوی مبانی فقهی ممنوعیت تخریب محیط‌زیست»، مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، نشر الکترونیک، شماره ۶، فروردین ۱۳۹۶
- ۵- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، (۱۳۹۱)، «بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط‌زیست در ایران / ضرورت و تنگناها»، نشریه راهبرد، ۲۱(۶۵): ۷۶-۴۵.
- ۶- فهیمی عزیزالله، علی عرب‌زاده، «مبانی فقهی حقوق محیط زیست» مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۹۱
- ۷- گوهری عباس، مهدی بیژنی، «مسئولیت مطلق در تخریب محیط‌زیست از دیدگاه فقهی»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰
- ۸- محمدزاده رهنی، محمدرضا، «بررسی مبانی فقهی حفاظت از محیط زیست»، مجله فقه و تاریخ تمدن، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۲۵، دی ۱۴۰۰
- ۹- موسوی بجنوردی سید محمد، قواعد فقهیه، تهران: انتشارات جاویدان

### ب. انگلیسی

- Bell, S, "Design for Outdoor Recreation, (2011)," Matinkhah S-H. Isfahan: Isfahan University of Technology.
- Sloep, P. & Blowers, A, (1996), Environmental problems as conflicts of interest. Arnold, NY: Halsted Press.